

خشونت خانگی و سرزنش قربانی

Photo: leolintang/bigstockphoto.com

اسفندیار کیانی

طبیعت امور جنسی در بیشتر جوامع انسانی با مفهوم شرم درهم آمیخته است. هر جا از روابط جنسی سخنی در میان است، شرم و نوعی بی میلی برای مواجهه با واقعیت، چه در قامت اخلاق، چه در لوای سنت، و غیر آن به چشم می خورد. دنیای حقوق به ویژه رویه های جاری در خصوص جرائم جنسی که در بستر روابط صمیمی و در حریم خانه اتفاق می افتند، از این قاعده جدا نیست. میل به انکار واقعیت و چشم پوشیدن از ماهیت جرائم جنسی، در "سرزنش قربانی" به شکل های مختلف و در مرحله های متفاوت قضایی مانند تحقیق و رسیدگی، صدور حکم و حتی در قانون گذاری رخ می دهد.

همه گیر بودن این میل سبب شده تا پرداختن به این پدیده دشواری های خاص خود را داشته باشد. نخست آنکه این نگاه سرزنش گر به قربانی از سوی قانون گذار، مجری قانون، و یا قاضی نتیجه رانش های ناخود آگاهی است که اعمال و رفتار افراد را تحت تاثیر قرار می دهند. واکاوی این دلایل ناخود آگاه، دشوار و شاید نیازمند روانکاوی در حوزه خشونت خانگی باشد.

دشواری دیگر درک و فهم مرز باریکی است که بین رفتار **تحریک آمیز** و یا **خشن** قربانی و رفتار **عادی** او وجود دارد. در بیشتر نظام های حقوقی بر اساس اصلی عقلی و اخلاقی، اگر رفتار قربانی موجب مخدوش شدن اراده خشونت گر، سلب آزادی، تحریک، غلبه احساسات و عواطف و تهدید جان و مال فرد شود، می تواند به عنوان عامل تخفیف دهنده مجازات، و گاه عامل رافع (از بین برنده) مسوولیت کیفری قلمداد شود. [i]

نکته دیگر مساله "رضایت" نسبت به رفتار جنسی و تفسیرهای گوناگون از رضایت است. روشن است که نه در خصوص جرائم جنسی و نه هیچ جرم دیگری، نمی توان بدون قید و شرط، و بدون رسیدگی ماهوی، به رفتار قربانی به عنوان توجیه یا مبنایی برای ارتکاب جرم نگاه کرد. در واقع هر چند به لحاظ حقوقی امکان این امر وجود دارد که قربانی خود نقشی پررنگ در وقوع جرم بازی کرده باشد، (مثلا در مورد دفاع از خود که منجر به مرگ فرد متجاوز شود)، این بدان معنا نیست که این امر قاعده ای کلی و مفروض در همه جرائم است.

سرزنش قربانی و اصل برائت

اصل برائت یا فرض بی گناهی افراد، بر اساس ماده های مختلف قانونی، [ii] از جمله اصل سی و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است. اصل سی و هفتم می گوید: «اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.» «مبنای این اصل عقل و انصاف است. برای روشن شدن رابطه این اصل با سرزنش قربانی بهتر است به مبنا و محتوای سرزنش قربانی نگاهی بیاندازیم.

سرزنش قربانی بیشتر پیامد نوعی **قضاوت** در باره رفتار و هویت قربانی است. مثلا فرض اینکه قربانی با نوعی رفتار، شیوه لباس پوشیدن، و یا وضعیت تاهل و ... خود باعث بروز جرم شده است، نوعی (پیش) **داوری** درباره ماهیت جرم و خشونت ارتکابی است. اما تمامی عوامل دستگاه قضا باید به دور از چنین پیش داوری هایی به بررسی و رسیدگی به موضوع و دعوی مورد نظر بپردازند. اگر افرادی در دستگاه قضایی، بدون ورود بی طرفانه و بی غرض به ماهیت پرونده، برای خود پیش فرض هایی داشته باشند، این امکان وجود دارد که در اثر ذهنیت کلیشه ای، تجربه های شخصی و ... درباره قربانی **پیش داوری** کنند. مثلا اگر قاضی در پرونده ای نسبت به یک قربانی خشونت خانگی به دلیل شیوه لباس پوشیدن و آرایش با بدبینی و بدگمانی برخورد کند، دچار پیش داوری و سرزنش قربانی شده است. در حالی که شاید بین شیوه لباس پوشیدن و خشونت که اتفاق افتاده، هیچ رابطه علت و معلولی وجود نداشته باشد و این تصور فقط از نگاه سرزنش گر قاضی به قربانی برآمده باشد. با وجود اینکه این اصل سنگ زیرین قوانین کیفری است، در مواردی که پلیس، دادرس، دادیار، و یا قاضی، با پیش داوری و بدون رسیدگی، برای قربانی نقشی را در وقوع جرم مفروض می گیرند، این اصل، که البته یک حق بشری هم هست، نقض می شود. هیچ کس از جمله مامور انتظامی، قاضی، دادرس و دادیار نباید یکی از دو طرف شکایت را پیش از رسیدگی قانونی و عادلانه قضاوت کند، چرا که قربانی (یا فردی که ادعا میکند مورد تعرض قرار گرفته) حق دارد تا بدون پیش داوری دعوی خود را نزد دادگاه عادل مطرح کند. با این حال ماموران پلیس و آگاهی در بسیاری از کشورها و نظام های حقوقی، هنگام رویارویی با قربانیان خشونت جنسی و خانگی، بی درنگ به قضاوت قربانی بر اساس ظاهر [iii] می پردازند و در موارد بسیاری حتی از ثبت شکایت قربانی هم خودداری می کنند. این مساله آثار و پیامدهای ناگواری برای قربانی و جامعه در پی دارد و نقض اصل برائت و حق دادرسی عادلانه [iv] افراد است. البته خودداری از ثبت شکایت و رسیدگی، به دلیل قضاوت و سرزنش رفتار قربانی، تخلف و قابل پیگرد قضایی است. البته این مساله با قرار منع تعقیب که مثلا در صورت عدم کفایت ادله صادر می شود، متفاوت است.

در نوشته‌های آینده به تحلیل و تشریح جزئیات سرزنش قربانی، ریشه‌ها، دلایل، و آثار آن خواهیم پرداخت.

[i] مثلا در خصوص قتل در فراش رفتار مجنی علیه، همخوابگی با مرد اجنبی به اختیار و با آزادی، میتواند رافع مسئولیت کیفری مرتکب جنایت، یعنی زوج گردد. همینطور در نظام حقوقی کامن لا، امروزه رفتار خشونت آمیز همسر یا دوست، چنانچه منجر به آسیب روحی و روانی دیگر فرد رابطه شود، و چنانچه فردی که مورد رفتار خشن بوده مرتکب جرائمی مثل قتل همسر شود، میتواند به عنوان عامل مخففه مجازات در نظر گرفته شود. مورد اخیر تحت عنوان "سندروم فرد مضروب (Battered Person Syndrome)" موضوع تحقیقات و آرای بسیاری در حوزه‌ی خشونت خانگی بوده است که در فرصتی مناسب میتوان به آن پرداخت. همینطور و در نگاهی کلی تر، اساس و فلسفه‌ی "دفاع مشروع از خود" بر مبنای رفتار قربانی استوار است.

[ii] ماده ی یازده اعلامیه ی جهانی حقوق بشر هم به این اصل مربوط میگردد. همینطور در قوانین جزایی همه ی نظام های حقوقی، از جمله ایران، این اصل که از اصول بنیادین حقوق است، به رسمیت شناخته شده است.

[iii] در نوشتار بعدی به ذکر مثال هایی در این خصوص خواهیم پرداخت.

[iv] ماده ی یازده اعلامیه ی جهانی حقوق بشر (1948) و ماده ی چهارده میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی (1966) راجع به این اصل میباشد.